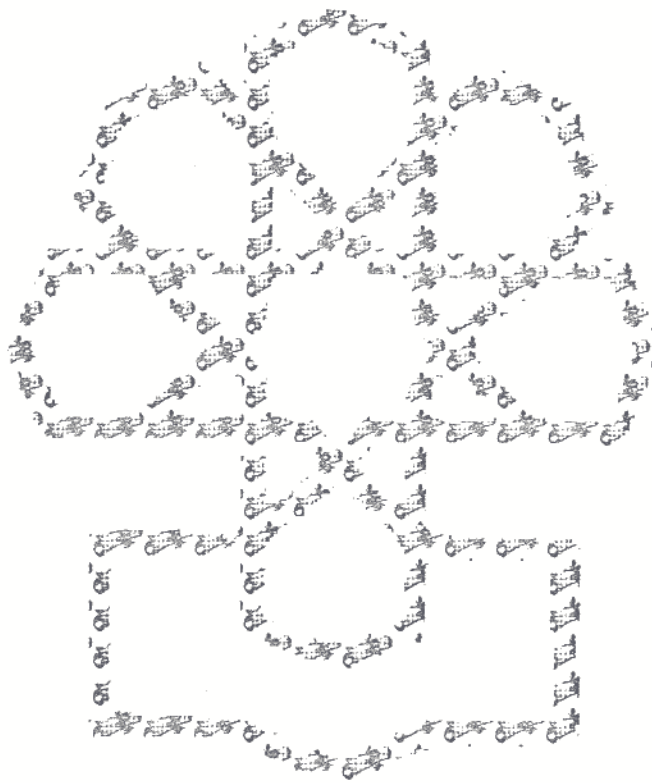




# نگرشی بر طرح «شهر فرهنگ و تمدن اسلامی»



کار: دفتر سیاسی - اجتماعی

معاونت پژوهشی

تیر ۱۳۷۶

این گزارش بنا به درخواست جناب آقای دکتر محمد جواد لاریجانی و بر پایه مندرجات گزارش جناب آقای مهندس آخوندی وزیر محترم مسکن و شهرسازی، بیرامون ایجاد شهر فرهنگ و تمدن اسلامی تهیه و تنظیم شده است.

کد گزارش: ۱۱۰۲۴۱۱

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی پارلمانی  
شماره: ۶۰۱۱  
تاریخ: ۷۶/۵/۴

پیشگفتار

گزارش حاضر حاصل بررسی کارشناسانه طرح تقدیمی «شهر فرهنگ و تمدن اسلامی» جناب آقای مهندس آخوندی وزیر محترم مسکن و شهرسازی است. طرح مذکور و ضرورت اجرای آن توسط تنی چند از کارشناسان واحد شهرسازی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به تدقیق و به صورت جامع مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. گزارش حاصل ابتدا به ضرورت انجام چنین طرحی پرداخته و سپس الزامات و ویژگی‌های اقداماتی مشابه، بررسی و در نهایت به امکان‌سنجی پرداخته شده است.

چکیده

\* پیروزی انقلاب اسلامی و سیاست کفر ستیزی و دین‌مداری آن در چارچوب بیداری جهانی مسلمانان، این مسئولیت را متوجه ایران ساخته است که اصالت و غنای اسلامی را به جهانیان بنمایاند و قابلیت‌های آن را در به چالش کشیدن غرب و تمدن آن عرضه دارد. این امر به خصوص هنگامی پر اهمیت‌تر می‌نماید که غرب را در عین رویارویی با بحران اندیشه، در آستانه گذار به قرن جدید می‌بینیم و ایران نیز در آتیه‌ای نزدیک با رسیدن به سال ۱۴۰۰ به قرن جدید پای خواهد نهاد؛ بدین قرار فراهم بودن برای دهه‌های آتی برای به نمایش گذاشتن افق‌های ترسیم شده از سوی اسلام، وظیفه‌ای سنگین و الزام‌آور است.

\* اندیشه احیای تمدن اسلامی و اثبات این توانمندی‌ها در پاسخ‌گویی به بحران‌های عمیق اخلاقی - اجتماعی جهان غیر مسلمان، به عنوان یک راهبرد اساسی مطرح گردیده و حرکت‌های بازگشت به دین در کلیه جوامع اسلامی، در راستای توانایی‌های آن جهت پر نمودن خلأ پدید آمده در اثر بحران ایدئولوژیک غرب، اهمیت می‌یابد. در این راستا تحصیل شناخت از طریق قرارگیری در فضایی که فرصت بیان کلیه توانمندی‌های این ایدئولوژی را به مخاطب داشته باشد بسیار پراهمیت می‌نماید.

\* موزه‌ها و شهرهای موزه‌ای، قادر به پذیرش چنین نقشی می‌باشند که با قرار گرفتن فرد در آن فضا، با استفاده از کلیه ابزارهای فنی و هنری می‌توان جهت القای این منظور بهره جست و قابلیت‌ها و امتیازات این نهاد ایدئولوژیک بالنده را در مقابل کلیه زمینه‌های مطرح شده از سوی سایر نحله‌های فکری نمایاند.

\* من حیث المجموع گروه مطالعه‌کننده طرح مورد بررسی را که از طرف جناب آقای مهندس آخوندی برای مطالعه به مرکز پژوهش‌ها تسلیم شده بود، طرحی جامع و مثبت تلقی می‌نماید.

## مقدمه

ایجاد «شهر فرهنگ و تمدن اسلامی»، مدتی است که اذهان دست‌اندرکاران و مسئولین را به خود مشغول داشته و جستجوی راهکارهایی برای برپایی آن، دل مشغولی و دغدغه‌ای است که به حق هم‌سنگ اهمیت و اعتبار چنین کار بزرگی می‌باشد و حساسیت‌ها و دقت ویژه‌ای را می‌طلبد تا طرحی در خور اندیشیده شده و الزامات کار به درستی دیده شود تا مشکلات و مسائل فراوانی که بر سر راه خواهد بود، اهمیت هدف نهایی را مخدوش نسازد.

تفکر اسلامی اکنون در شرایط فقدان نظامی ایدئولوژیک برای پاسخ‌گویی به معضلات جهانی، به‌خصوص برای جوانان که خواست‌های عدالتخواهانه‌شان ضرب آهنگی تندتر از سایر نسل‌ها دارد، جایگزینی بی‌بدیل می‌باشد. همچنان‌که کلیه جنبش‌های آزادی‌خواهانه نوین در اغلب کشورها، نشان داده است که تا چه میزان از تفکر عمیق دینی تأثیر پذیرفته و در راستای اهداف و شعارهای عمده آن قدم بر می‌دارند. این جنبش‌ها عرصه به چالش کشیدن فرهنگ و تمدن غرب در تمامی زمینه‌هایی است که پیش از این مورد ادعای آنها بود. این فرصتی است که باید به درستی شناخته شود تا در بستری مناسب و طبیعی سامان یافته و اعتلا گیرد.

ایران اکنون به عنوان (ام‌القراء) جهان اسلام اگر نه گزاف، در مهم‌ترین و مناسب‌ترین جایگاه این جنبش جهانی قرار دارد و طبیعتاً عرصه‌های متنوعی را در راستای این وظیفه خطیر باید در اختیار گیرد تا دستیابی به اهداف متعالی این حرکت را سهولت بخشد. ساخت شهری نمادین از فرهنگ و تمدن اسلامی، آن‌چنان‌که در این برنامه ارائه شده، یکی از ابزارها و وسایل دستیابی بدان هدف تلقی می‌شود که در صورت تدوین راهکارهایی صحیح و جستجوی شیوه‌ای کارآمد در به نمایش گذاردن آن، بسیار مفید و مناسب ارزیابی می‌شود.

ما در بررسی طرح ارائه شده، ابتدا به ضرورت ایجاد چنین طرحی می‌پردازیم و سپس الزامات و ویژگی‌های اقداماتی از این قبیل بررسی می‌شود و در نهایت به امکان‌سنجی آن می‌پردازیم:

## سابقه و پیشینه اجرای چنین طرح‌ها

ساخت شهر یا مجموعه‌هایی با ویژگی خاص شهری، اساساً چندان هم بدون سابقه و پیشینه تجربه شده نمی‌باشد. با این‌که اهداف ساخت چنین شهرهایی که گه‌گاه با شهری که هدف این طرح می‌باشد، کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد، اما در اساس و بنیان‌شان اشتراکاتی دیده می‌شود که از سابقه پرداخت به چنین مقوله‌ای در جهان خبر می‌دهد. ساخت «شهر علمی تسوکوبا» در ژاپن، «شهر موسیقی» در پاریس، «شهرک سینمایی» در ایران، «شهر نمایشگاهی» در فرانکفورت، «مجتمع فرهنگی زرژ پمپیدو» و شهرهای با کارکرد ویژه در گوشه و کنار جهان از آن جمله‌اند.

در برخی اوقات هدف بهره‌گیری از جلوه‌های نمادین یک مقوله نه در یک شهرک، بلکه در حفظ و ارائه یک بخش از شهر یا یک مونومان یا بنای معماری، به سبب یادآوری رخدادی است که نیاز به نگهداشت و احترام بدان در خاطره جمعی یک ملت می‌باشد. مثلاً حفظ و نگه‌داری بناها و کلیساهای فروریخته در جنگ جهانی دوم در بسیاری از شهرهای تماماً بازسازی شده اروپا، به وجهی که هشدار در تلاش برای نفی

ار تکاب مجدد به چنین افعالی باشد. همچنین حفظ خاطراتی از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در بازسازی شهرهایی همچون خرمشهر و هویزه و غیره؛ علاوه بر آن حفاظت از آثار یادمانی یا بخش‌های قدیمی بسیاری از شهرهای دنیا در راستای حفظ خاطره جمعی یک ملت و هویت ملی و تاریخی وی می‌باشد که به کرات و در بسیاری از شهرها دیده می‌شود و یا از وجود آن مطلع می‌گردیم.

به هر حال ساخت مجموعه‌ای نوین یا حفظ و حراست بخش یا عناصری از شهر که قبلاً وجود داشته‌اند با هدف حفظ خاطره جمعی یک ملت و یا هویت ملی وی و یا کارکردی ویژه که در آن عصر مورد طلب است، بدون سابقه و زمینه‌های پیشین نمی‌باشد و نمونه‌های متعددی از این قبیل تجربیات در گوشه و کنار جهان می‌توان به دست داد.

ساخت مجموعه‌ای با هدف به نمایش درآوردن فرهنگ و تمدن اسلامی به دفعات از سوی نهادها و سازمان‌های مختلف از ابتدای انقلاب ایران مطرح گردیده و جنگ و مسائل مبتلا به کشور، این حرکت‌ها را متوقف و به بعد موکول نمودند. اکنون پس از گذشت ۱۸ سال از برپایی جمهوری اسلامی و بازگشت آرامش به کشور، به نظر زمان مناسبی برای توجه مجدد بدین مقوله و پرداختن بدان است. علاوه بر آن حرکت‌های جهانی اسلام‌خواهی به خصوص از سوی جوانان از یک سو و تهاجمی که بر پیکره فرهنگ سرزمین مان از جهان غرب روا داشته شده بر ضرورت توجه بدان در این برهه را تأکید می‌نماید.

از نظرگاه تخصصی، پرداختن به مقوله ساخت و برپایی شهری یادمانی یا شهر موزه‌ای با اهداف گوناگونی می‌تواند صورت پذیرد. این گونه طرح‌ها به رغم تنوع ظاهری اهداف اولیه، سمت و سوی واحدی را در ساخت فیزیکی شان طی می‌کنند و آن جوهره نمادین بودن، حول محور و موضوع اصلی برپایی و میزان تحقق‌پذیری مجموعه اهداف طرح، در این کالبد فیزیکی بر پا شده، از سوی دیگر است. حرکت در راستای چنین هدفی تفکر در سه زمینه اساسی زیر را می‌طلبد که در پیش بدان اشاره کردیم:

۱- مطالعه در ضرورت پرداختن به چنین مقولاتی؛

۲- بررسی دقیق در الزامات و ویژگی‌های چنین طرحی؛

۳- مطالعه امکان‌سنجی آن.

### ضرورت تاریخی پرداختن بدین مقوله

ضرورت پرداختن بدین مقوله اساساً از دو وجه ویژه متأثر می‌گردد. نخست، حفظ فرهنگ و هویت ملی ما که در چالش تاریخی با تمدن غرب قرار داشته و با کلیه ابزارها و تکنولوژی در اختیار غرب برای زایل نمودن این زمینه غنی، باید به مبارزه درآید. دوم، تنش جهانی که اسلام را به خصوص برای جوانان به صورت مأمونی مناسب در حرکت‌های آزادی و استقلال طلبانه‌شان درآورده و تبعاً ایران به عنوان کشوری که این تجربه را به عینیت کشانده جایگاه ویژه خویش را می‌یابد.

فرهنگ و تاریخ یک ملت همیشه از سویی مدرک و شناسه وی و سنجه‌ای بر میزان و چگونگی تحولات تاریخی آن ملت است از سویی دیگر محملی بر انتقال کلیه ویژگی‌هایی است که موجب تمایز یک ملت از ملتی دیگر می‌شود. کتیبه‌ها، رزق‌ها، سنت‌ها، اشیا، علوم و دانسته‌ها همچون اجزایی در ساخت عمارت «حیات جمعی» یک ملت محسوب می‌شوند که بدون مفقود یا تباها شدن باید بر یکدیگر انبساطه شوند که عمارت رفیع حیات یک ملت را بنا نهند و بر همین متوال است که در چارچوب استعاره فرود.

می‌توان پندار خاطره جمعی را درک کرد.<sup>۱</sup>

فرهنگ عبارت است از هر آنچه که در یک جامعه معین کسب می‌شود، آموخته می‌شود و انتقال می‌یابد. فرهنگ مجموعه حیات اجتماعی از زیر بناهای فنی و سازمان‌های نهادی گرفته تا اشکال و صور بیان حیات روانی یک ملت است، که همگی شان همچون یک نظام ارزشی به گروه و جمع، نوعی کیفیت و تعالی انسانی می‌بخشد.

مشاهده و مطالعه فرهنگ می‌تواند با توجه به آثار تحقق یافته هنری، ادبی، فنی یا رفتارها و اشکال و صور مناسبات بین انسان‌ها و بالاخره با در نظر گرفتن کاربرد ارزش‌ها صورت گیرد. نحوه مشارکت در مظاهر فرهنگی و انتقال آنان نشان‌دهنده میزان نفوذ فرهنگ بین مردم است. فرهنگ هر نسل معمولاً به عنوان میراثی به نسل‌های بعد منتقل می‌شود و ابزار این انتقال معمولاً مجموعه‌ای مادی و معنوی از عناصر فرهنگی همچون آثار ادبی، اشعار، مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها، آثار نقاشی، معماری و کلاً مجموعه‌های زیستی انسان‌ها با کلیه اجزایش است. اینان مجموعه ساخت‌ها، نهادها، ارزش‌ها و واقعیت‌هایی‌اند که در ورای نسل‌ها تداوم می‌یابند و همچون میراث و ثروتی از گذشتگان به ارث می‌رسند و با خود هویت ملی را منتقل می‌سازند، هویتی که معمولاً پای در گذشته دارد. زیرا هیچ تعریفی از هویت نمی‌توان به دست داد که گذشته را در نظر نگیرد و موزه‌ها و شهر موزه‌ها شاید مکانی باشند که از میراث و هویت گذشته مان حفاظت می‌کنند و موجب می‌گردند که بسیاری از آثار مادی فرهنگ جامعه امکان انتقال به نسل‌های جدید را بیابند و در واقع پیوندگاه گذشته با حال محسوب می‌شوند.

ملت‌ها همواره در حفظ خاطره و اجزای فرهنگ خویش عزم راسخی از خود نشان داده و ابزار و وسایل متنوعی را در این راستا بکار می‌گیرند که همگی از سازنده‌های فرهنگ مادی و هویت مالی‌شان به‌شمار می‌آیند. بازآفرینی هویت هر ملت با حفظ و نگه‌داری و به نمایش گذاردن حافظه تاریخی‌شان و عناصر فرهنگی آنها که مذهب هم بخش عمده‌ای از آن را شامل می‌شود، صورت می‌گیرد. اهمیت پذیرش میراث فرهنگی به عنوان تنها وسیله‌ای که ملت‌ها با آن خود را برای روبرو شدن با تحولات بزرگ آینده تجهیز می‌سازند، مورد تأکید می‌باشد. در واقع پیشگویی‌ها و محاسبات آینده هم بر مبنای نوعی آگاهی از گذشته صورت می‌گیرد و بر آن استوار است و در واقع اذعان به نوعی در هم تنیدگی و پیوستگی آینده با گذشته یعنی وابستگی تام و تمام آینده نسبت به خاطره جمعی در گذشته و هویت‌یابی از آنچه در گذشته می‌گذرد، است. این خاطره جمعی در واقع همان هویت انسانی است که توسط حفظ ارزش‌های فرهنگی یک قوم عملاً از مخدوش شدن هویت بر اثر گسیختگی‌های زمان و آفت‌های دیگر در امان می‌ماند.

«افراد اساساً به هویت نیاز دارند زیرا بدین وسیله از پیچیدگی و سرعت چیزها می‌کاهند و در نتیجه توانایی آن را می‌یابند که نظمی نسبی در زندگی خود و در دنیای اطراف ایجاد کنند. از این حیث هویت همچنین تولیدکننده واقعیت بوده و در کنار تخیل و مذهب نقش مهمی در دنیایی که خود به خود آشوبی بیش نیست ایفا می‌کند. از آنجا که هویت آشوب را سامان می‌بخشد و با معنا دار ساختن جهان، آن را شکل می‌دهد، می‌تواند در برخی حالات سرچشمه‌رهایی واقع شود»<sup>۲</sup> بنابراین برای حفظ هویت بنا به نقش پراهمیتی که دارد از فرهنگ به عنوان عنصری پراهمیت و از سازنده‌های اصلی هویت، باید حفاظت و مراقبت شود.

۱. مورد بررسی، سیمای دوگانه هویت، مجله پیام شماره ۲۷۷، اردیبهشت ۱۳۷۳

۲. مورد بررسی، سیمای دوگانه هویت، مجله پیام، شماره ۲۷۷، اردیبهشت ۱۳۷۳

مذهب به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر و غیرقابل انفکاک فرهنگ و یکی از عناصر اصلی آن، از توان بسیار بالایی در ترسیم و تقویت هویت ملی برخوردار است و همچنان که عناصر فرهنگی در راستای حفظ هویت ملی باید پاسداری شوند، مذهب نیز به درستی می‌تواند چنین نقشی را ایفا نماید و در پاسداری از کل هویت ملی ساکنان یک سرزمین فعالانه مداخله جوید.

گذشت بیش از ۲ دهه از تحول که در کشورمان، نشان داد که مذهب از چه جایگاه منحصر به فردی در کسب هویت ملی می‌تواند برخوردار باشد، به علاوه خیزش ملی ایران در مقابل نظام پیشین، از توانمندی مذهب به عنوان یک عنصر فرهنگی و از گزینشی قالبی متناسب در این رابطه خبر داد. اکنون نیز این قالب، توانمندی خود را در زمینه‌های متنوعی می‌آزماید. ابتدا نقشی که در هنگامه حاصل از خلا ایدئولوژیک پس از سقوط اردوگاه سوسیالیسم و در فقدان چارچوبی نظام‌مند برای پاسخگویی به پرسش‌های جوانان، بر عهده گرفت؛ دیگر سپر و جان‌پناهی در مقابل تهاجم فرهنگی غرب برای حفظ و صیانت از هویت ملی و فرهنگ بومی ملت‌های مسلمان برافراشت و بالاخره آن‌که، هویت بخشی به خیزش‌های سیاسی استقلال‌طلبانه در جهان و القای محملی مناسب بر بسیاری از جنبش‌های آزادی‌خواهانه جهان اسلام، که همگی حکایت از جوهره والا و غنای آن در پاسخگویی بدین چالش‌ها دارد.

شاید سخن از «اثبات توانایی اسلام» و «احیای اندیشه تمدن اسلامی» آنچنان که در طرح ارائه شده آمده است تلاش در پیمودن راهی طی شده باشد. زیر ۲ دهه تاریخ پرفراز در سرزمین‌مان حکایت از تحولی می‌دهد که در واقع در پی احیای اندیشه تهران اسلامی صورت پذیرفت و توانایی اسلام را به اثبات رساند با این حال تلاش در راه مقابله با کلیه تهاجمات غرب و به چالش کشیدن آن در عرصه‌هایی که لبه تیز این تهاجمات بر آن محورها نشانه رفته در این برهه از الزامات اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردد. حرکت‌های مختلف بیداری مسلمانان نیز اساساً شاهدهی برای تأکید بر این مدعاست و اما چه ابزارهایی در این راستا می‌تواند به مدد آید و دستیابی بدین هدف را تسهیل نماید. شاید یکی از راه‌های کشاندن همگان به عرصه دید و تماشای کلیه یا بخشی از توانمندی‌های اسلام موزه‌ها باشند. مورژنوگرافی زمینه‌ای مناسب برای این تلاش‌اند، همچنان که این ابزار در رشته‌های مختلف توان خود را در جمع‌آوری، طبقه‌بندی، نگه‌داری و نمایش و به عرصه دید کشاندن موضوع مورد نظر، مثبت و کارا نشان داده، در مسئله مطروحه در این بحث نیز می‌تواند موفق ارزیابی شود.

### موزه چیست؟

موزه اساساً مکانی تلقی می‌شود که اشیایی واجد ارزش‌های متنوع برای تماشا، بازدید، تحقیق و تفحص جمع‌آوری و به نمایش گذاشته شده باشد. موزه‌ها سال‌هاست که به شکل‌گیری آموخته‌های بشر کمک نموده و سعی کرده‌اند با تغییر و تحول و فضا‌سازی و روش‌های متنوع نمایش امکان تجربه و خودآموزی در مردم و علاقمندان را فراهم آوردند. موزه‌ها رابطه‌هایی هستند که برای کسب، اندوختن، پردازش اطلاعات با استفاده از کلیه روش‌های قابل بهره‌گیری در راستای اهداف اصلی موزه عمل نموده و از آن منتفع شوند. موزه در گذشته‌های دور به معنای جای تفکر و اندیشه بود که شماری افسانه یونانی درباره دختران «زنوس» که موزه نامیده می‌شدند، این تعبیر را همراهی می‌کردند بعدها یونانیان به معبدهی که برای خدایان می‌ساختند، موزه می‌گفتند و معابدی با عنوان ادبیات، علوم، هنر، به نام دختران «زنوس» ساخته شد. در قرون وسطی از اوایل قرن پنجم تا اواسط یا اواخر قرن پانزدهم موزه به محلی گفته می‌شد که در آن

مجموعه‌ای از اشیاء کمیاب و جالب طبیعی یا هنری ادوار گذشته را به نمایش در می‌آوردند. در این دوره گرایش به گردآوری اشیاء نفیس دوره یونان باستان که بر اساس انسان محوری به ظهور موزه انجامیده بود، تبدیل به حاکمیت کلیسا گردید و موزه مکان جمع‌آوری اشیاء متبرک و مذهبی شد.

شکل‌گیری سازمانی موزه با هدف نگهداری از اشیاء نفیس تقریباً از قرن ۱۵ میلادی آغاز گردید و «پاپ سیکستوس چهارم»، نخستین کسی بود که اولین موزه را با مفهوم تقریباً امروزی آن ایجاد کرد. این امر به سال ۱۴۵۱ میلادی یعنی اواسط قرن پانزدهم باز می‌گردد.

در تاریخ ۱۷۹۲ کنوانسیون ملی پاریس لفظ موزه را رسماً به محل‌هایی می‌دهد که وظیفه آن نگهداری از اشیایی است که دارای ارزش فرهنگی هستند. و موزه‌های متعددی از این قبیل تدریجاً ظهور می‌یابند. مثلاً موزه «لوور» همزمان با همین کنوانسیون در پاریس افتتاح می‌شود و به این ترتیب سنگ بنای موزه‌های قرن نوزدهم میلادی گذاشته می‌شود.

در مجمع ایکوم (شورای بین‌المللی موزه‌ها) در سال ۱۹۷۴ اساسنامه‌ای تصویب شد که طبق تعریف آن: «موزه عبارت از مؤسسه‌ای است دائمی و بدون هدف مادی که درهای آن بر روی همگان گشوده است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌نماید. هدف موزه‌ها تحقیق در مورد شواهد بر جای مانده انسان و محیط زیست او، گردآوری و حفظ و ایجاد ارتباط بین این آثار، به‌ویژه به نمایش گذاردن آنها به منظور بررسی و بهره‌وری معنوی است».

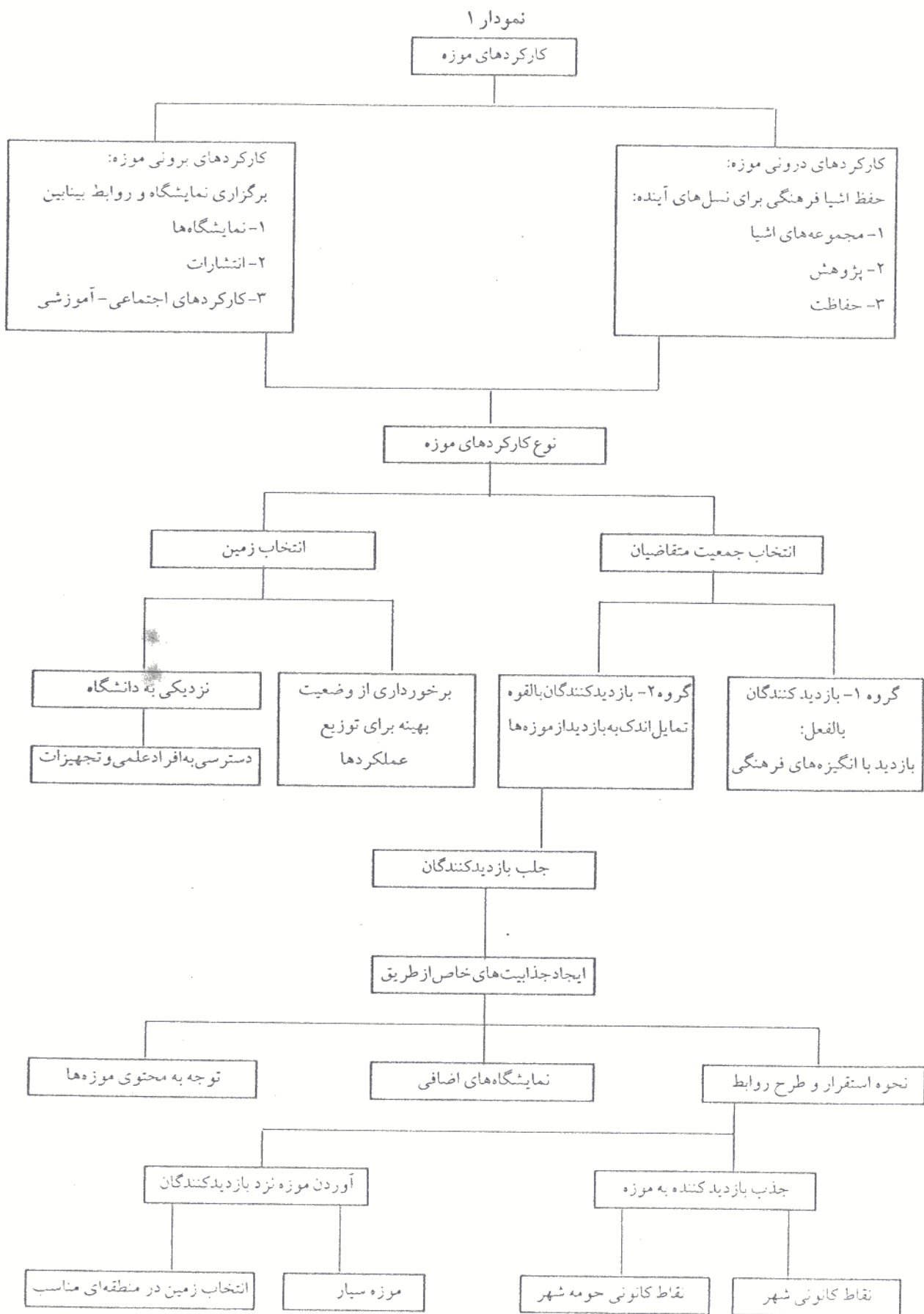
علاوه بر این، بر مبنای همین اساسنامه «محل‌ها و آثار باستانی، طبیعی، مرزشناسی و تاریخی که به علت فعالیت در زمینه گردآوری و حفظ نگهداری و نمایش آثار باستانی دارای ماهیت موزه‌ای باشند در این طبقه‌بندی خواهند گنجید و با کارکردهای متنوع درونی و برونی خود در راستای اهداف اصلی از ساخت موزه قرار خواهند گرفت. (طبق نمودار شماره ۱)

انسان امروزی در هر جای این کره خاکی از دیدن آثار باقی مانده از انسان‌های گذشته، که نشانه‌هایی از فطرت و فرهنگ انسان، جهان بینی انسانی در ادوار گوناگون، چون و چرای انسان درباره جهان هستی، نیازهای انسان و شیوه‌های پاسخ او به این نیازها، گرایش به خلاقیت انسان و تولید او و آثار این گرایش، زیبایی و درک زیبایی‌شناسی انسان و خلق زیبایی و بالاخره صنعت و هنر انسان در آنها نهفته است و بیانگر رابطه اصولی و تنگاتنگ بین مغز و دست‌های اوست و یا به مفهومی دیگر بیانگر رابطه اندیشه و عمل اوست لذت می‌برد، عبرت می‌گیرد، می‌آموزد و همه اینها موجب بقا و پیشرفت او می‌شود این آثار در سال‌های گذشته بنام «عتیقه» نامیده می‌شدند و امروزه به نام «اموال فرهنگی - تاریخی» مجموعه آنها به نام «میراث فرهنگی» مشهورند. تمام این آثار با طبقه بندی‌های گوناگون در موزه‌ها نگهداری می‌شوند.

موزه‌ها از هر نوعی که باشند پاسخ به یک سؤال بنیادی‌اند و آن این که، «بشر بودن یعنی چه؟»

هیچ یک از موزه‌ها به تنهایی پاسخی کاملی به این پرسش نمی‌دهند و چنین انتظاری از موزه‌های موجود هم شاید خطا باشد، زیرا هر موزه فقط بخشی از پاسخ را ارائه می‌دهد. می‌توان گفت محاوره‌ای گسترده بین موزه‌های جهان در جریان است، چراکه هر موزه‌ای اظهاری درباره طبیعت بشر می‌کند. به طوری که گاهی بر ادعای یکدیگر صحه می‌گذارند و گاهی نیز نتایج متناقض می‌گیرند.

موزه به مفهوم بنیادی یک نهاد سیاسی است، چون پاسخ آن پرسش «بشر بودن به چه معنی است؟» باید در مضمون لحظه معینی از تاریخ داده شود و لاجرم باید مردمی در قید حیات را که مانند همیشه با مسائل بقای اخلاقی، روانشناختی و اجتماعی دست به‌گریبانند، مخاطب قرار دهد.



موزه نقش‌های اجتماعی متعددی را ایفا می‌کنند از قبیل:

- ارائه بازتابی از قدرت دولت؛
- ارائه بازتابی از قدرت مذهب؛
- ارائه میدان گسترده‌ای جهت پژوهش دانشگاهیان، عالمان، محققین منفرد؛
- ارائه تصویری از علائق متنوع قشرهای فرهیخته جامعه؛
- ارائه بنیادی فرهنگی به منظور تجلیل از یک شهر یا کشور؛
- بیدار کردن روح خلاقیتی که در هر یک از افراد جامعه نهفته است؛
- دادن آموزش و تلاش در جهت گسترش دانش؛
- فراهم ساختن وسایل تفریح و پرکننده اوقات فراغت افراد جامعه؛
- ایجاد احساس آگاهی نسبت به گذشته؛
- دامن زنده به جستجو و کاوش ارزش‌ها؛
- مکانی برای ثبت تغییرات فرهنگی؛
- مکانی برای به امانت نهادن گذشته و حال برای رجوع مرتب بدان؛
- مکانی برای بیان گذشته انسان به زبان حال و شکل امروزی؛
- مکانی برای بازیابی خود و بازسازی و توان بخشیدن به حافظه در هم ریخته بشری؛
- مکانی برای تغییر نگاه به زندگی؛
- مکانی برای تجربه نمودن آموزه‌های خود و به کمال رساندن و جان بخشیدن بدان.

#### انواع موزه‌ها

موزه‌ها به انواع موزه‌های حاوی مجموعه اشیاء، اکو موزه، باغ موزه‌ها، کاخ موزه‌ها بناهای تاریخی (بنا موزه‌ها)، موزه‌های محوطه‌های باستانی، شهر موزه‌ها، موزه‌های محلی (با هویت خاص آن محل)، بافت‌های تاریخی شهرها، هسته‌های تولیدی که هنوز به صورت سنتی کار می‌کنند (مثل عصاره‌ها، حناسابی‌ها، عبابافی و غیره) تقسیم می‌شوند.

#### تعریف اکوموزه

ایجاد شهر موزه‌ای نوعی پیروی از تفکر نوین رایج در جهان موزه‌داری بنام نهضت اکوموزه است. این تفکر نوین موزه‌داری به تبعیت از کلیه علوم برای تحولی که جامعه آینده برای آنها رقم زده، دگرگونی‌هایی را بدان‌ها نوید می‌دهد و پی می‌جوید. موزه‌ها اساساً از زمان و مکان خارج نیستند آنها هم درباره ضرورت انتخاب دقیق‌تر و برگزیدن روش‌ها و تکنیک‌هایی که بتوانند از آن طریق به خدمت هدف‌هایی اجتماعی، زیست بومی گسترده‌ای در آینده بحث می‌کنند و راه‌های نوینی را در این راستا تجربه می‌کنند. تاریخ موزه‌نگاری و موزه‌شناسی نشانگر شیوه‌هایی است که تمدن و اعصار متفاوت از طریق این شیوه‌ها به رابطه مردم با میراث آنها پرداخته است.

بعضی نسل‌ها شیوه یا شیوه‌های نوینی خلق کرده‌اند. بعضی دیگر نیز فقط تمدن میراث خود را حفظ کرده‌اند. امروز نسل ما نیز بنا به ضرورت زمان از نسل‌های خلاق است و در هر حوزه‌ای از زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به خلق و ابداع اشکال تازه‌ای دست می‌زند. علم موزه‌داری نیز نمی‌تواند از حرکت عمومی و از این نیاز همگانی برکنار ماند. لذا روز به روز موضوعات خود را مشخص‌تر می‌کند و

روش‌ها و شیوه‌های نوینی را برای بسط و توسعه قابلیت‌ها و کارایی خود در کلیه زمینه‌ها تجربه می‌کند. اکوموزه یا موزه انسان-بوم، یا موزه زیست‌بومی، پدیده‌ای نوین در امر موزه‌داری است که براساس نیاز زمان‌پا به عرصه وجود گذاشته است. این نوع موزه به دلیل تقسیم‌بندی صحیح و علمی که در ساختار شبکه‌ای خود دارد و شمول آن بر کلیه عناصر فرهنگی و پدیده‌های طبیعی که انسان ساکن در یک زیست‌بوم معین، نسل بعد از نسل به‌طور پیوسته یا منقطع از بدو زایش تا عصر حاضر با آن سروکار داشته و دارد. کلیه موزه‌های موجود و کلاسیک را در خود حل خواهد کرد. اکوموزه‌ها به‌طور ناگهانی به وجود نیامدند، بلکه آنها میراث‌دار انواع گوناگون بیان موزه‌نگاری هستند و از اواخر قرن نوزدهم میلادی به بعد توسعه یافته‌اند، که ۲ شکل مهم و رایج آن موزه تاریخ‌نگاری و موزه مردم‌نگاری بود. بدین ترتیب ابتدا موزه‌های سرزمین و سپس موزه‌های هویت مطرح شدند.

اکوموزه به نوعی پیروی از تفکر «ژرژ هانری ریوی‌یر» بوده که دیگر موزه را به‌عنوان جایی برای نگه‌داری مجموعه‌ای ناهمگون از اشیاء قدیمی، که از تاریخ و تمدن گذشته باشد و ارزشی را ساطع کنند نمی‌دید. بلکه موزه‌ها را محلی می‌دید که باید بحثی علمی را بیان می‌نمود. این موزه‌ها باید به بازدیدکننده کمک می‌کرد تا گذشته خود را برای تسلط به آینده باز شناسد. او براساس این چنین اندیشه‌ای یک برنامه موزه‌نگاری برای ایالت بریتانیا Bretagne تنظیم کرد که براساس آن، نظامی واقعی را برای بیان یک سرزمین بنیان نهاد که در واقع، یک موزه هویت بود. او نوعی اکوموزه را که بعدها موزه هویت هم خوانده می‌شدند پایه‌گذاری کرد. این نوع موزه (هویت) از خطی پیروی می‌کنند که هدف موزه را به‌سوی تقویم تاریخی و تاریخ سرزمین، از ابتدا تا عصر حاضر هدایت می‌کنند و اساساً تمام شعبات علوم انسانی را به‌خدمت می‌گیرند.

اولین موزه باز در سال ۱۸۹۱ در حوالی استکهلم توسط یک سوئدی به نام «آرتور هازلیوس» ابرپاگردید. او با گرد آوردن بناهای سنتی گوناگون از نقاط مختلف کشور این موزه را به‌وجود آورد. اکوموزه دیگری در آلتاس فرانسه ایجاد گردید که انواع مساکن سنتی ناحیه آلتاس را با تمام محتویات خانه، نوع تولیدات ابزار و وسایل آن به نمایش می‌گذاشت. پس از اکوموزه آلتاس و سوئد، در امریکا نوعی موزه همسایگی Neighborhood Museum تشکیل شد که اغلب به مسائل گروه‌های اجتماعی مورد تبعیض مانند سیاهان، زنان، اقلیت‌های بومی و کارگران می‌پرداخت، مسائل و مشکلات‌شان را مطرح می‌ساخت و به احیا هویت‌شان کمک می‌کرد. از بین فعالیت‌های این نوع موزه‌ها می‌توان به تحقیقات درباره مسکن، شهرسازی، جرایم، اعتیاد، بیکاری، آموزش و پرورش و غیره اشاره کرد.

اکوموزه چنان‌که از نام آن بر می‌آید به اکولوژی و بوم‌شناسی باز می‌گردد. این موزه‌ها در برنامه خود محیطی را می‌گنجانند که انسان در آن زندگی می‌کند و همچنین ارائه روابطی را در نظر دارند که انسان با پیرامون خود برقرار کرده و می‌کند، و دریچه‌ای نیز به‌سوی آینده آن می‌گشاید. کلمه «پیرامون» می‌تواند شامل «محیط طبیعی» و «محیط اجتماعی» باشد. لذا از آنجایی که هدف اصلی اکوموزه، در درجه اول انسان و میراث‌های فرهنگی اوست، با موزه بوم‌شناسی متفاوت می‌گردد. اکوموزه‌های فرهنگی در محیطی بر پا می‌گردند که نشأت گرفته از فعالیت انسانی است. مثل محیط روستایی یا صنعتی یا محیطی که از اختلاط این دو به‌وجود می‌آید میراث واقعی و فرهنگی اکوموزه‌ها، یادمان گروهی مردم معین است که زیستگاه‌شان

مشخص است. یادهانی که از آن هویت ظاهر می‌گردد، هویتی که خود را با تاریخ حال و زایش آینده در کشمکش و جدال می‌بیند. بنابراین مفهوم اکوموزه در بردارندهٔ کشش و امتدادی است که موجب به یاس کشاندن استنباط‌هایی می‌شود که با ایستایی همراه است.

اکوموزه که شهر موزه‌ای تعبیری دیگر از آن می‌باشد، به قول دیگر، آینه‌ای است که فومی، ملنی، امتی و جامعه‌ای (خرد و کلان) در آن می‌نگرد تا خود را باز شناسد. جایی است که این مردم، بیان سرزمینی را که به آن وابسته‌اند در آن می‌جویند، مردمانی که به این قلمرو و به این تفکر و شیوه زیست پیوند خورده‌اند و تداوم نسل‌های سلف خویشند. اکوموزه آینه‌ای است که مردم آن را در مقابل میهمانان خود می‌گسترانند تا اولویت اعمال، رفتار و صمیمیت خود را بهتر نشان دهند و بفهمانند.

اکوموزه بیانی است از زمان، اکوموزه جایی را نشان می‌دهد که انسان در آن ظاهر شده، مرحله به مرحله و طبقه به طبقه در طول زمان‌های متوالی تاریخی در آن زیسته، از آن گذر کرده و به زمانی می‌رسد که در آن زندگی می‌کند. اکوموزه با گشودن دریچه‌ای به زمان‌های فردا، خود را به تصمیم‌گیرنده تحمیل می‌کند. و در این صورت نقش اطلاع‌رسانی و تحلیل انتقادی را ایفا می‌نماید.

اکوموزه نهادی است فرهنگی که به صورتی دائمی در مکانی معین با مشارکت مردم و فعالیت‌های تحقیقاتی، نگهداری، ارائه، احیای مجموعه‌ای از اموال طبیعی و فرهنگی را عهده‌دار می‌شود. که معرف یک پیرامون، شیوه زندگی و تفکر است. شیوه‌هایی که در این سرزمین جایگزین یکدیگر شده و به ارث رسیده‌اند.

بنابراین ملاحظه می‌شود که بحث دربارهٔ جدیدترین پدیده در امر موزئولوژی است، بحث بر سر اکوموزه، شهر موزه‌ای یا موزه‌های اقلیمی - فرهنگی است. موزه‌هایی که نشان می‌دهد در مقیاسی ماکرو یا میکرو، مردمی صاحب تفکری ویژه در مکان‌هایی خاص چگونه زندگی می‌کنند، چگونه با توجه به زمینه فرهنگی خاص خود، با محیط انطباق می‌یابند در آن بهره‌برداری می‌کنند و در آن زندگی می‌کنند. مبحث اکوموزه نه یک مبحث ملّی و میهنی، بلکه موضوع انسان است، محیط زیست و زایش و پویا و بالندگی خرده فرهنگ‌هاست که مجموع آن فرهنگ انسان و میراث فرهنگی او را به وجود می‌آورد.

هر اکوموزه از یک ساختمان مرکزی و تعدادی شعبه تحت عنوان آنتن تشکیل می‌شود. ساختمان مرکزی فقط مرکز اطلاعات کلیه آنتن‌های ناحیه‌ای است که اکوموزه در آن تشکیل شده است. در این ساختمان (احتمالاً یکی از ساختمان‌های قدیمی منطقه که کاربری اصلی خود را از دست داده است) هر غرفه کوچکی، اشاره‌ای کوتاه به یکی از موضوعاتی از میراث فرهنگی یا طبیعی موجود در منطقه دارد. این موضوع در همان محل واقعی خود، به همان صورت اصلی و حتی در حین کاربری کامل به عنوان یکی از موضوعات میراث فرهنگی و به عنوان یک موزه یا آنتن اکوموزه تلقی و مورد بازدید قرار می‌گیرد. بنابراین اکوموزه هر ناحیه، شبکه گسترده و زنده‌ای است که با مشارکت مردم عناصر پویا و ایستای فرهنگی و طبیعی همان ناحیه را که میراث فرهنگی و طبیعی آن است با سازماندهی منسجمی در معرض دید و کسب اطلاعات عموم می‌گذارد. مثلاً آنتن اکوموزه نمک، در این اکوموزه تمام آنچه را که انسان ساکن در یک سرزمین معین را به هر نوع ممکن با این ماده مربوط می‌کرده و بخش مهمی از فرهنگ معنوی و مادی او را به وجود می‌آورده و به صورت بخش مهمی از میراث فرهنگی به نسل حاضر رسیده است، به نمایش می‌گذارد. به این ماده، که در حیات هر موجود جاننداری، به خصوص انسان، نقشی حیاتی دارد می‌توان از دیدگاه‌های متفاوت نگرست

و براساس همین دیدگاه‌ها آن را آن‌طور که هست و در محل خود به نمایش کاربردی گذاشت یعنی معدن و کارخانه نمک و یا هر چیز دیگر که نمک در آن تولید می‌شده باز هم به همان صورت تولید و عرضه گردد و در ضمن حالت یک موزه زنده را نیز داشته باشد.

بنابراین اکوموزه بدعتی نوین یا پدیده‌ای نوین در مبحث موزه‌شناسی است که چه بخواهیم و چه نخواهیم به تدریج جای همه موزه‌های کلاسیک را خواهد گرفت. اکوموزه در برگیرنده همه چیز یک زیست‌بوم است و بیانگر همان ناحیه در همه اعصار و قرون و دره‌های باستانی تاریخی و معاصر آن. پس بهتر است از هم‌اکنون برنامه‌های خود را برای تشکیل اکوموزه‌ها تنظیم نماییم و گام‌های اولیه و استوار و حساب شده خود را در این راستا برداریم تا بعداً برای انطباق با زمان و مکان دچار شتابزدگی و اشتباه نشویم.

### شهر موزه‌ای

در شهر موزه‌ای به جای استفاده از ترکیبی که در مدل اکوموزه‌ها توضیح داده شد، کلیه آنتن‌ها، شاخه‌ها و زیرشاخه‌های مربوطه را در یک مجموعه شهری که همان شهر موزه‌ای است در یک مکان جمع‌آوری، ساخته و عرضه می‌کنند و شهر مجموعه‌ای از نمایشگاه‌ها را در برمی‌گیرد، که با قصد و هدف ویژه‌ای طراحی و ساخته شده‌اند. شهر موزه تمدن اسلامی باید علاوه بر موزه‌ای بودن، که کلیه وظایف مرتبط و مورد انتظار از یک موزه را بر آن مترتب می‌دارد، شهری یادمانی، سمبولیک و نمادین نیز می‌باشد. نمادین و سمبولیک بدین تعبیر که کلیه ارزش‌ها و اصول بنیادین اسلام را به صحیح‌ترین و زیباترین روش بیان داشته و به نمایش بگذارد و یادمانی باشد از جهان اسلام و آموزه‌ها و آرمان‌های آن و آینده‌ای که نوید می‌دهد.

شهر موزه به عبارتی آرایش فضایی عناصر و المان‌های موزه و نمایشگاه است که در پهنه گسترده به وسعت یک شهر پدید می‌آید. در چنین شرایطی الزامات طراحی و ساماندهی یک شهر هم می‌تواند به عنوان امتیازی در القای مقصود ما در رسیدن به یک مجموعه موزه‌ای - نمایشگاهی مؤثر افتد و هم می‌تواند محدودیتی تلقی گردد. امتیاز از این وجه که در پهنه و پس‌زمینه‌ای به وسعت شهر فرصت‌های ویژه‌ای در القای روح و هدف از دستیابی به فضایی که مورد نظر این مطالعه است، به دست داده می‌شود. محدودیت از این حیث که ایجاد و برقراری رابطه‌ای صحیح میان عناصر یک شهر، به خصوص هنگامی که هدفی این چنین ویژه را نیز دنبال می‌کند، سخت‌سنگین بوده و دقتی ویژه را می‌طلبد.

این شهر موزه که از نظر ساختار اقتصادی - کالبدی یک شهر خدماتی می‌باشد، تجربه‌ای نوین در ساخت چنین شهرک‌هایی می‌باشد و کلیه اجزای شهر در راستای عرضه خدمات فرهنگی - موزه‌ای باید سامان یابد. ویژگی مذهبی - روحانی این خدمات، الزامات خاصی را بر آن مترتب خواهد داشت که در غایت بالندگی و برتری باید به جلوه درآید.

چنین فضایی می‌تواند حس وحدت با سایر ملل مسلمان، پایداری، ریشه‌داری و توانمندی اسلام را به نمایش گذارد، به فرد قدرت و توانایی بیش از آنچه در محدوده توانمندی‌های فردی‌اش است، تفویض نماید و در القای حس وحدت وی با خیل عظیم مسلمانان جهان و پویایی در راهی مشترک با این انبوه جهانی، می‌تواند موفق باشد.

ایجاد چنین فضایی با ساخت و برپایی شهری موزه‌ای یا مجموعه‌ای یادمانی می‌تواند صورت پذیرد. شهری موزه‌ای بدین اعتبار که اساساً به عنوان یک موزه زنده واقعی و حافظ و انتقال‌دهنده آفریده‌های

اجتماعی و فرهنگ مردمی باشد. با این فضا و به مدد آن می‌توانیم راه خود را از میان راهروهای تاریک و هزارتوی تاریخ به گذشته پیوند دهیم و تصویری از گذشته با وضوح بیشتر به دست آوریم و از آن بیاموزیم چنان‌که خورخه لویس بورخس<sup>۱</sup> می‌گوید: «موزه‌ها حافظه انسان‌اند. حافظه‌ای که به کمک آن آینده‌ای نه چندان متفاوت با آرمان‌ها و امیدهایمان را بنا خواهیم کرد».

این شهر موزه می‌تواند شهری نمادین و سمبولیک با تمامی اجزای ملهم و برگرفته از آموزه‌های اسلام در معماری و شهرسازی باشد و در عین حال با اهمیت ویژه بخشیدن به فضاها و بناهای موزه‌ای آن که هر یک به عنصر خاص از تاریخ و فرهنگ اسلامی اختصاص خواهد یافت این ویژگی‌ها را به شکل برجسته و درخور به نمایش خواهد گذاشت. در این رابطه از حیث مقیاس شهر «تسوکوبا» به عنوان یک شهر علمی در یک انتهای طیف و مجموعه فرهنگی در انتهای دیگر طیف از چنین ساخت و سازهایی می‌تواند تلقی شود که یکی گستره‌ای در حد یک شهر را به خود اختصاص داده و دیگری فقط در یک بلوک شهری از محله‌های مرکزی شهر «پاریس» سامان یافته است.

شهر علمی «تسوکوبا» در ژاپن به عنوان شهری علمی - دانشگاهی، تحقیقاتی در شمال توکیو شکل گرفت. این شهر حول محور دانشگاه و مؤسسه‌های علمی از یک سو و مؤسسات تحقیقاتی وابسته به صنایع ژاپن از سوی دیگر به عنوان استخوان‌بندی اصلی شهر سامان یافت. از جمعیت ۲۲۰ هزار نفری این شهر، ۱۰۰ هزار نفر در بخش علمی و ۱۲۰ هزار نفر در مشاغل تبعی شهر مشغول بودند، (شاغلین و اعضای خانواده‌شان). شهر در حوزه‌ای به مساحت ۲۶۰ هکتار طراحی و ساخته شد و مجموعه علمی و دانشگاهی و تحقیقاتی آن در حوزه مرکزی و بخش در ضلع شمالی میدان مرکزی شهر و بخش دیگر در ضلع جنوبی آن ساماندهی شد و بقیه ساخت و سازهای شهر در چهارچوب این مراکز و پذیرش الگوی عمومی شهرهای معمول توسعه یافته و ساخته شد.

مرکز فرهنگی «ژرژ پمپیدو» (مرکز بوبور) در طیف دیگر این‌گونه ساخت و سازها، عبارت از مجموعه‌ای فرهنگی، هنری و یادمانی و برای هنر است. این مجموعه که از محل تخریب چندین آپارتمان فرسوده که از دهه ۱۹۳۰ بدین سو در یکی از بلوک‌های شهری مرکز پاریس بلااستفاده مانده بود، توسط «ژرژ پمپیدو» برای ساخت و برپایی چنین مجموعه‌ای برگزیده شد. وی در این زمینه گفته بود که «می‌خواهم پاریس را دارای مرکز فرهنگی بینیم که هم موزه باشد هم مرکز خلاقیت، جایی که هنرهای تجسمی، موسیقی، سینما، کتاب، امکانات دیداری و شنیداری برای پژوهش گرد هم آمده باشد» این مجموعه با مراکزی که نام برده شد در بلوکی به طول ۱۶۶ متر، به عرض ۶۰ متر و ارتفاع ۴۲ متر در قلب پاریس ساخته شد و امروز پس از برج ایفل پربیننده‌ترین و پرمراجع‌ترین بنای فرهنگی فرانسه محسوب می‌شود.

و در میان این دو شوق بر شمرده، از شهر موزه‌هایی می‌توان نام برد که در گستره‌ای مناسب سامان یابند و در عین این‌که شهر درگیر در حیات عادی و طبیعی شهروندی نیز باشد اما عملکرد اصلی شهر همان ویژگی موزه‌ای آن و «نمایش» باشد. در این موارد شهر عملکرد موزه را در بستری گسترده و در کالبدی شهروار به نمایش می‌گذارد. شهرهایی که نقش موزه‌ای می‌یابند به دو صورت قادر به نمایش در آوردن عناصرند که هدف نمایش آن را دارند.

ابتدا این‌که در گستره‌ای که شهر در آن سامان می‌یابد، هر بخش خود به صورت نماد و نمایشی از مفاهیم

۱. خورخه لویس بورخس نویسنده و درام‌نویس انسان دوست و شهیر آرژانتین قرن حاضر.

و موضوعات می‌گردد. به‌طور مثال شهر خود تاریخ تحول شهرهای اسلامی را به نمایش می‌گذارد و هر بخش دوره‌ای از تاریخ اسلام را نشان می‌دهد و در بطن خود موزه‌هایی را بنا به موضوع مورد نظر جای می‌دهد.

صورت دوم شهر موزه‌ای است که شهر در کلیت خود از حیات و زندگی معمول سرشار می‌شود، اما تلاش می‌شود، اجزا و عناصر آن بر مبنای مفاهیمی که شهر حول آن محور ساخته شده است سامان یابد (در اینجا اسلام). در واقع تلاش می‌شود شهر بر مبنای آموزه‌ها و آنچه از اسلام در شکل‌گیری و برپایی و کالبدیابی شهر مداخله می‌جوید ساخته شود و از آن بهره‌گیرند و موزه‌های مختلف نیز هر یک بنا به موضوع در جای جای شهر بر پاگردند.

صورت سوم، ترکیب و آمیزه‌ای از شقوق اول و دوم است، که در آن شهر کاملاً حیات طبیعی شهری نخواهد داشت و عملکرد طبیعی یک شهر را حداقل در بخش‌های عمده‌ای از خود - که معمولاً هم بخش‌های مرکزی شهر است - تأمین نخواهد کرد. اما تلاش می‌کند کلیه آموزه‌های آن تفکر (در اینجا اسلام را) در ساخت شهر، از حیث کالبدی به کار بیند. تاریخ تحول و تکوین شهر اسلامی و دوره‌بندی‌های آن را به نمایش گذارد. از اجزا و عناصر شاخص اسلامی در ساخت و سازهای بهره‌گیرند، به طوری که بازدیدکننده را قادر به قرارگیری در فضایی همانند شهرهای اسلامی نماید. در این راستا همان طوری که در طرح هم آمده از کشورهای اسلامی در ساخت محلاتی با ویژگی‌های خاص کشورشان می‌تواند بهره‌جوید، که علاوه بر افزایش مودت اسلامی بین ملل، از توان مالی و سرمایه‌گذاری آنها نیز در برپایی این بخش‌ها می‌تواند بهره‌مند شود. همچنان‌که به هر کشور می‌توان موزه‌ای خاص اختصاص داد و همکاری‌شان را در این راستا طلب کرد. که به نظر می‌رسد شدیداً مورد استقبال قرار گیرد چه از جانب بازدیدکنندگان و چه از جانب کشورهای شرکت‌کننده. از طرف دیگر در جای جای این شهر نیز باید موزه‌های مختلف و متنوع که بدان اشاره خواهد شد، بر پاگردد. موزه‌هایی که بنا به موضوع هر یک در بخشی از شهر می‌تواند ساخته شود. چنین شهری با مساحت و تشکیلات وسیعی که خواهد داشت تبعاً به نظام مدیریتی و راهبری ویژه‌ای نیاز خواهد داشت که در دو زمینه موازی هم، به هدایت امور شهر پردازند، یک شبکه مدیریتی و اداره شهر به‌عنوان شهرداری ویژه چنین شهری، دیگری یک سیستم مدیریتی برای راهبری امور موزه‌ها که خود از تشکیلات ویژه‌ای باید برخوردار باشد. (موزه‌ها به‌عنوان فعالیتی خاص که در این پهنه سامان خواهند یافت). همکاری مشترک این دو نهاد شهر را قادر به ارائه خدمات شایسته و مناسب برای بازدیدکنندگان خواهد کرد. شهر به دلیل بازدیدکنندگان زیادی که خواهد پذیرفت دارای بازارهای مناسبی برای رفع حوایج‌شان باید باشد این بازارها به دو صورت سنتی و مدرن و به صورتی که تباینی با هم نداشته باشند باید طراحی و اجرا گردد. علاوه بر آن هتل‌ها، خوابگاه‌ها، مهمان‌پذیرهایی هم برای سیاحان و بازدیدکنندگان که قصد اقامت داشته باشند، باید فراهم آید.

در حاشیه این عملکرد اصلی برای شهر، مجموعه‌ای از واحدهای مسکونی در پیرامون شهر می‌تواند علاوه بر جذب جمعیتی که کارکنان شهر را تشکیل می‌دهند، به شهر سیمایی از حیات طبیعی و روال عادی زندگی ببخشد و مشاغل تبعی شهر را در این رابطه سامان دهد. در این صورت مجموعه فعال و پویایی برپا خواهد شد که شهر را از تبدیل شدن به فضایی مرده در شب‌ها رهایی داده و بدان زندگی شبانه‌روزی خواهد بخشید.

## مراکز و عناصر و موزه‌های اصلی شهر

- ۱- کتابخانه بزرگ اسلامی: از حسی ترین و تازه ترین اجزای این شهر می باشد. کتابخانه به عنوان عنصری مهم در انتقال کلیه متون، نوشته‌ها، اسناد تاریخ و تحول اسلام از منابع و مراکز مهم چنین شهری می تواند باشد. تجهیز این کتابخانه به منابع مهم و متون اصلی جهان اسلامی، به صورت میکرو فیش، میکروفیلم و نوارهای مغناطیسی ضروری است. این کتابخانه را می توان به عنوان بزرگترین منبع جهانی کتب اسلامی در آورد که علاوه بر تأمین نیاز مراجعان عمومی، تحقیقات و تفحصات، محققان اسلامی را نیز بتواند سامان دهد. این کتابخانه می تواند در کنار خود مرکزی برای برقراری نمایشگاه کتاب برای عرضه جهانی کتاب پدید آورد و جمعی از ناشران و دست اندرکاران کتب اسلامی را نیز فراهم آورد. این کتابخانه نمایشگاهی از قرآن و گنجینه‌ای از این کتاب را می تواند عرضه داشته و تحقیقات قرآنی را سازماندهی کند علاوه بر آن مسابقات قرائت قرآن و مطالعات این کتاب نیز در این مجتمع صورت پذیرد. پیشنهاد دیگری نیز می تواند طرح گردد و آن ایجاد مرکز ویژه برای قرآن است که در آن جمع آوری قرآن، برقراری نمایشگاه، برگزاری مسابقات، انجام مطالعات قرآنی و غیره صورت پذیرد که ترجیحاً این دو نهاد یعنی کتابخانه بزرگ اسلامی و «مرکز قرآن» بهتر است در کنار یکدیگر برپا گردند.
- ۲- مرکز نمایش های دینی، تعزیه و مراسم آیینی: تعزیه و مراسم آیینی از اجزای لاینفک فرهنگ اسلامی، به خصوص در کشور ما ایران است؛ این زمینه از موضوعات بسیار جالب و پرجاذبه برای بسیاری از بازدیدکنندگان خواهد بود که علاوه بر جاذبه های نمایشی، می تواند بسیاری از پیام های عمیق این گونه مراسم را به بازدیدکنندگان معرفی و القا نماید؛ در کنار این مرکز نمایشی، مرکزی برای انجام مطالعات و تحقیقات در این زمینه هم می تواند برپا گردد تا علاوه بر غنایی که بدین زمینه خواهد بخشید، امکان معرفی مناسب تر و بهتر این موضوع و ویژه از فرهنگ مان را (تعزیه) به جهانیان یابد.
- ۳- موزه تاریخ اسلام: در این موزه تاریخ اسلام با کلیه مظاهر و ادوات مادی خود قابل نمایش خواهد بود. پیدایش و نفوذ اسلام به سایر سرزمین ها، تاریخ تحولات آن و غیره همگی در کنار مطالعات تاریخ اسلام در این بخش می تواند صورت پذیرد.
- ظهور اسلام، تاریخ عصر پیامبر همگی از موضوعات این موزه می توانند باشند.
- ۴- جغرافیای اسلام: سرزمین های اسلامی، تحولات جهان اسلام و پهنه های تحت سیطره آن و تغییراتی که در طول زمان در این قلمروها رخ داده، می تواند موضوع قابل طرح در موزه جغرافیای اسلام باشد.
- ۵- معماری اسلامی: معماری و شهرسازی اسلامی از زمینه های بسیار غنی در ساخت و برپایی موزه های این شهر خواهند بود، هم حال و هوای عمومی شهر را می توانند سامان دهند و هم در ایجاد موزه ای ویژه برای به نمایش گذاردن ویژگی های این هنر اسلامی که بسیار غنی و زیباست، می تواند مورد استفاده باشد. در این موزه با ساخت ماکت هایی از بناها و فضاهای معماری جهان اسلام، می توان مجموعه ای بسیار گران بها و ارزشمند فراهم آورد.
- ۶- موزه قصص و حکایات اسلامی: قصص قرآنی، روایات و حکایت های تاریخ اسلام از حیث ساخت ماکت ها و فضاهای ویژه، می توانند در انتقال این تاریخ و فرهنگ غنی آن بسیار موفق عمل نمایند.
- ۷- موزه نقاشی: نقاشی ها و تابلو هایی از موضوعات و زمینه های متنوع تاریخ اسلام، مفاهیم و مباحث دینی، همگی غنای خاصی بدین موزه خواهند بخشید.

- ۸- موزه فرش: این یک به عنوان نمونه‌ای از طرح عثم منکوت در قالبی محصور! و در قالب هنری ویژه که ایرانیان در این عرصه سرآمد سایر ملل اند.
- ۹- موزه خط: این هنر که در اشکال و رموز خود رابطه‌ای نزدیک با قرآن دارد، هنری تزئینی و پرفدرت را امکان پذیر ساخته در عین حال سبک معنوی دارد.
- ۱۰- موزه مینیاتور و تذهیب: به عنوان هنر اسلامی برای کتب اسلامی و قرآن.
- ۱۱- موزه موسیقی: ادوات و سازهای موسیقی و انجان و اصوات و آوازاها و مضامین مذهبی، زمینه اصلی فعالیت این موزه خواهد بود.
- ۱۲- موزه صنایع دستی: به عنوان موزه هنرهای بومی و تأثیر پذیری نقوش و تزئینات آن از هنرهای اسلامی.
- ۱۳- موزه تاریخ تحول انقلاب اسلامی: موزه‌ای که در آن به طور ویژه تاریخ تحول انقلاب اسلامی ایران را می تواند به نمایش گذارد.
- ۱۴- موزه تحولات و تاریخ جنگ‌های اسلام: در این موزه می توان تاریخ کلیه جنگ‌های صدر اسلام و نهایتاً جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را به نمایش گذارد.
- ۱۵- موزه ادبیات و شعر: شعر و ادبیات زمینه‌ای گسترده برای بیان مفاهیم دینی و قدرت و قابلیت این ایدئولوژی می تواند باشد.
- ۱۶- موزه علوم و تاریخ علم: در این موزه به کلیه علوم می توان پرداخت و تأثیر یا تأثیرات آنها از اسلام می تواند به نمایش در آید.
- ۱۷- موزه تاریخ بیداری اسلامی ملل: این موزه به تاریخ تحول و حرکت‌های اسلامی جهان خواهد پرداخت، با نمایشگاه ویژه فلسطین.
- ۱۸- موزه خدمات متقابل اسلام و ایران: نقش ایران و اسلام در قبال یکدیگر از زمینه‌های مناسب برای طرح و به نمایش گذاردن است.
- ۱۹- موزه مساجد مرکب از ماکت مهم ترین و مشهورترین مساجد جهان؛
- ۲۰- موزه کاشی کاری به عنوان هنر مساجد و معماری مساجد ایرانی - اسلامی: کلیه این موزه‌ها و مؤسسات مطالعاتی با شبکه نوین اطلاع رسانی باید تجهیز گردند و با جهان در ارتباط باشند. علاوه بر آن ایجاد سالن‌های کنفرانس برای برقراری این گونه مجالس توصیه می شود و کنفرانس‌ها، ساخت مساجد و تکایا و حسینیه‌ها در جای جای شهر علاوه بر ایجاد حسن و فضای اسلامی در شهر امکان بازدید را برای جهانگردان فراهم خواهد آورد. مدارس و کلیه نهادهای لازم برای شهر چه در بخش پیرامونی برای استفاده ساکنان شهر و چه در محدوده بازدید ایرانگردان، امکان به نمایش گذاشتن مدارس قدیمه را به شکل موزه‌ای فراهم خواهد آورد. سایر نیازمندی‌های شهر عبارت است از خدمات شهری، میدین و بازارها (در مرکزیت شهر)، رستوران‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی، درمانگاه و فضاهای دلپذیر شهری برای تفریح در چهارچوب چنین شهری باید تدارک دیده شود.

#### بررسی نهاد مدیریتی و مطالعات امکان‌سنجی

برای مدیریت چنین شهری پیشنهاد نهادی مستقل از تحولات دولتی و غیر انتفاعی مناسب می باشد. تا با تأمین منابع خاص خود بتواند به صورت خودگردان، البته تحت هدایت‌های عام بخش دولتی، این شهر و

نهادهای آن را مدیریت نماید.

امکان‌سنجی، در زمینه مضامعات امکان‌سنجی، آنچه گفتنی است این است که، در موارد معمول، با توجه بررسی هزینه و فایده می‌توان طرح را از نظر امکان‌پذیری و اقتصادی بودن مورد قضاوت قرار داد. اما آنچه در مورد چنین طرحی قابل گفتن است این که، چنین طرحی در چهارچوب روش‌های معمول بررسی هزینه و فایده قابل بررسی نیست. زیرا شرایط خاص آن و به خصوص اهمیت تاریخی آن برای مست ایران آن را از ویژگی خاصی برخوردار می‌سازد که در مضامعات امکان‌سنجی آن نیز باید ملاحظه گردد.

اساساً در اغلب موارد، فواید و وجوه مثبت آن غیر قابل تبدیل به ارقام و ابعاد کمی و مقداری است تا بتوان آن را با هزینه‌هایش مورد مقایسه قرار داد. بدین سبب توصیه می‌شود در بررسی امکان‌سنجی از روش‌های غیر معمول بهره‌جسته شود.

در طرح ارائه شده اشاره‌ای به وجوه شرعی برای تأمین منابع مالی ساخت، مدیریت و راهبری شهر شده است. با این که چنین منابعی جهت استفاده در این زمینه قابل توجه و امعان نظر می‌باشد اما توصیه می‌شود از آنجایی که بهره‌گیری و جوهات شرعی دارای شرایط خاصی می‌باشد در این زمینه با متخصصین جامع‌الاطراف در مسائل شرعی نیز مشورت و رایزنی شود. تا با ضریب اطمینان بیشتری برپایی و استمرار آن تضمین گردد.

## الف- منابع فارسی

- ۱- گاردنر. هنر. هنردر گذر زمان، مترجم محمد تقی فرامرزی، نگاه.
- ۲- ژاکنیک. ایوان. مرکز فرهنگی پمپرو، مترجم محسن شهیدی، معاونت امور اجتماعی شهرداری تهران، تهران، ۱۳۷۲.
- ۳- «پرونده یک سریال (هزارستان - ۲)»، فیلم، شماره هفتاد، ص ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۲.
- ۴- پرسینی، مورو. «سیمای دوگانه هویت»، پیام یونسکو، اردیبهشت ۱۳۷۳.
- ۵- اوستروفسکی، واتسلاو. شهرسازی معاصر، مترجم لادن اعتضادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۱.
- ۶- سازماندهی موزه‌ها، ترجمه عبدالرحمن اعتضامی صدری، یونسکو، اداره کل موزه‌ها، ۱۳۶۴.
- ۷- بازن، ژ. «موزه شناسی»، ترجمه و تلخیص اصغر کریمی، موزه‌ها، شماره ۲، ۱۳۶۰.
- ۸- «دائرة المعارف بریتانیکا: موزه»، ترجمه کلودکریانی، موزه‌ها، شماره‌های ۳ و ۴ و ۵، ۱۳۶۲.
- ۹- ربوی پر، ژورژ هانری. «موزه‌های مردم شناسی»، ترجمه و اقتباس اصغر کریمی، موزه‌ها، سال اول، شماره اول، تهران ۱۳۶۰.
- ۱۰- گریمال، پی. پر. فرهنگ اساطیر یونان و روم، ترجمه دکتر احمد بهمنش، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
- ۱۱- وال سپانندی، جی. دبلیو. ام. به سوی خط‌مشی نوین موزه، مترجم عبدالرحمن اعتضامی صدری، اداره کل موزه‌ها.
- ۱۲- لوکور، بورید. چگونه به مسئله شهرسازی بیندیشیم، ترجمه محمد تقی کاتبی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۴.
- ۱۳- شیرازی، باقر. «موزه‌ها مکان فرصت‌های استثنائی»، موزه‌ها، شماره ۱۱، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۴- پیام یونسکو، شماره‌های ۲۳۹، ۱۷۸، ۲۵۱ و ۲۷.

## ب- منابع انگلیسی

- 1- Pallot, Judith and j, B, Shaw, Denis, *Planing in the Soviet Union*, London, 1970.
- 2- Encyclopedia, Americana, Vol. 9 and Vol. 25.
- 3- Tsukuba, Science City, The housing and urban development corporation (HUDC), 1986.